



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۱۱۷

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سردبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۹ سپتامبر ۲۰۰۹ - ۱۸ شهریور ۱۳۸۸

آدرس جدید وب سایت حزب

www.wupiran.org

لطفا به اطلاع عموم برسانید!

اطلاعیه پایانی

پلنوم پنجم حزب اتحاد کمونیسم کارگری

مصوبات پلنوم پنجم:

۱- بیانیه در باره اوضاع سیاسی

۲- قطعنامه زنده باد انقلاب کارگری

۳- قطعنامه شیوه برخورد ما به جنبش ملی

اسلامی و ناسیونالیسم پرو غرب

برگزاری جلسه گفت و شنود با رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری در گوتنبرگ



پایان دادن به تروریسم کار ماست!

در سالروز ۱۱ سپتامبر

صفحه ۱۳

منصور حکمت

ورشکستگان سیاسی و جامعه غیرقابل پیش بینی؟

صفحه ۱۲

کامران پایدار

در صفحات دیگر؛ بیانیه حزب در باره جایگاه کنترل کارگری، قطعنامه زنده باد شوراهای،
مشور آزادی، برابری، رفاه.

پیام پلنوم پنجم حزب اتحاد کمونیسم کارگری به مردم آزادیخواه ایران

پلنوم پنجم حزب اتحاد کمونیسم کارگری به مبارزات آزادیخواهانه و پرشور مردم ایران برای رهائی از بختک سیاه جمهوری اسلامی درود میفرستد. رویدادهای بعد از ۲۲ خرداد رعد و برقی در آسمان بی ابر نبود. آنچه که دنیا را شگفت زده کرد و ایران را به مرکز توجه میلیاردها انسان در کره خاکی تبدیل نمود، نخواستنی عمیق بود که سه دهه است در اشکال مختلف خود را بروز داده و اینبار در یک تلاقی سیاسی به وسیع ترین شکل بمیدان آمد. بار دیگر معلوم شد که دعوی سیاسی در ایران نه برسر اصلاح حکومت نکبت بار اسلامی بلکه برسر نفی آنست. بار دیگر معلوم شد که تشدید جنگ و جدال درون حکومتی نه صرفا رقابتی برسر تقسیم قدرت و منافع اقتصادی و دسترنج میلیونها کارگر بلکه اساسا تلاشی برسر بقای ارتجاع اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران است. بار دیگر معلوم شد که ایران "جامعه ای اسلامی" نیست و دولت و قوانین اسلامی و سیستم توحش آپارتاید جنسی نه ریشه در "فرهنگ و خواست خود مردم" که یک سلطه سیاسی است که باید به طرق سیاسی برانداخته شود. بار دیگر معلوم شد مردمی که تحت اختناق و سرکوب و شکنجه و زندان از فرصتها و شکافهای بالائینها بهره میجویند نه طرفدار این و یا آن جناح تروریست و آدمکش اسلامی بلکه در تلاش برای تضعیف کل حکومت و سرنگونی آنند. بار دیگر معلوم شد جمهوری اسلامی وصله ای ناجور به پیکر آن جامعه است و بدون وحشت و ترور و آدمکشی و تجاوز و قتل نمیتواند بکروز سرپا بماند. مردم ایران در سه ماه گذشته با تمام محدودیتها به جهانیان نشان دادند که تنها نیروی واقعی مقابله با تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی اند که منطقه و جهان را در کابوسی سیاه فرو برده است. مردم آزادیخواه ایران جای شایسته خود را در اذهان میلیونها مردم آزادیخواه جهان و در معادلات مهم بین المللی و منطقه ای پیدا کردند و تلاشهای رژیم اسلامی و هواداران عقب مانده شان را تماما مردود اعلام کردند.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام پلنوم پنجم حزب اتحاد کمونیسم کارگری به مردم آزادیخواه ایران...

کارگران!

بسیاری از شما بعنوان شهروندان در این اعتراضات شرکت داشتید. اعضای خانواده های کارگری مانند بسیاری دیگر در خیابانها چماقهای ارتجاع و باندهای سیاهی برسرشان فرود آمد. مسئله اساسی اما در هر تحول سیاسی اینست که کارگر بعنوان یک طبقه و یا پرچم سوسیالیستی اش بمیدان آید و آینده پیرومند و انسانی هر تحول سیاسی تماما به تلاش جنبش کمونیستی طبقه کارگر گره خورده است. تردیدی نیست که مکانیسم مبارزه کارگری و محدودیتی که رژیم ضد کارگر اسلامی بر طبقه ما وارد کرده است، روش و نوع مبارزه و دخالت کارگران را از اشکال مبارزه دانشجویان و جوانان و دیگر نیروهای اجتماعی متمایز میکند. محدودیتهایی که در مبارزه کارگری وجود دارند لزوما در مبارزه بخشهای دیگر موجود نیست. با اینحال اعلام "خطر" عروج جنبش کارگری توسط سرمایه داران و سخنگویان مزدورشان از هم اکنون شروع شده است. بحران عمیق اقتصادی و بیکاری و فقر و گرسنگی میلیونها خانواده کارگری چشم انداز جدالهای آتی را ترسیم میکند. اینبار نوبت کارگران است که با حرکت عظیم شان جامعه را حول اهداف اجتماعی و طبقاتی خود قطبی کنند و دورنمای پیروزی بر اختناق اسلامی سرمایه داران را به دورنمای واقعی و مادی و قابل تحقق تبدیل کنند.

اگر این تحولات امری را اثبات کرد اینبود که بدون جنبش طبقه کارگر و بدون پرچم قدرتمند و مستقل کارگری و بدون آلترناتیو کارگری آزادی کل جامعه، هر فداکاری و مبارزه پر شکوه میتواند سرکوب شود و حتی در صورت پیروزی تغییراتی بنیادی

و ملموس ایجاد نکند. بار دیگر چشمها به طرف طبقه کارگر خیره شده و بار دیگر کارگر و جنبش رهائی بخشش میتواند پرچمدار آزادی جامعه باشد. متشکل شوید! شوراها و ارگانهای عمل مستقیم کارگری را برپا کنید! در مقابل سیاست فقر و فلاکت سرمایه داران و پرت کردن هر روز هزاران کارگر به حاشیه تولید، سیاست کنترل کارگری و جنبش کنترل کارگری را سازمان دهید! سرمایه داری ایران پاسخی به بدوی ترین خواستههای کارگران و اکثریت مردم محروم و زحمتکش ندارد. تنها راه انقلاب کارگری علیه وضع موجود است و این بدون نیروی متحد و متشکل طبقه کارگر، بدون آمادگی سیاسی و تشکیلاتی و حزبی، بدون افق کمونیستی، و بدون برافراشتن پرچم آزادی کل جامعه مقدور نیست. کارگران نباید اجازه دهند یکبار دیگر نتیجه این تحولات سرکار آمدن رژیم و دولتی بورژوازی باشد که تداوم فقر و فلاکت و استثمار و بردگی مزدی و انواع تبعیض را پی بگیرد. آینده میتواند و باید آینده ای آزاد و خوشبخت و مرفه برای همگان باشد و این تنها میتواند محصول نیروی عظیم طبقه کارگر و انقلاب رهانیبخش کارگری و سوسیالیستی باشد.

زنان!

حضور شما در صف اول مبارزات اخیر تصویر نوینی از جامعه ایران به دنیا مخابره کرده است. بار دیگر اثبات شد جنبش آزادی زن در ایران مهمترین جنبش در سطح منطقه و جهان برای خلاصی از آپارتاید اسلامی است. بار دیگر معلوم شد علیرغم رژه روزمره ارتش ضد زن در خیابانهای ایران زنان تسلیم نشدند و حرکت و تلاششان و قربانیایی که دادند بیانگر نفرتی عمیق از وضع موجود است. نداها و ترانه ها تنها قربانیان ارتجاع ضد زن و سرکوبگری و توحش اسلامی

نیستند. قرار بود با قتل نداها و شکنجه و تجاوز جمعی به ترانه ها اراده زنان برای آزادی را درهم شکنند. این جنگی تمام عیار علیه زنان نیز بود اما در این جنگ آنها بازنده شدند و زنان دهها قدم جلو آمدند. بار دیگر معلوم شد زنان برابری میخواهند، آزادی میخواهند، بعنوان شهروند میخواهند در همه چیز دخالت کنند، "صنف" نیستند که صرفا دنبال حق طلاق و حضانت و غیره باشند، هویت انسانی و برابریشان را در تمام شئون اعاده میکنند و علیه هر نوع تبعیض اند. چهره مدرنیستی و سکولاریستی و ضد اسلامی زنان و حضور وسیع و توده ای شان در صف اول اعتراض، یک رکن اساسی هر تحول سیاسی در ایران است. زنان از هم اکنون اثبات کردند که انقلاب آتی رنگی زنانه دارد و هیچ نیرویی نمیتواند نیروی وسیع و دهها میلیونی آزادی زن را نادیده بگیرد. این جنبشی است اساسا برابری طلب و ضد تبعیض و مدرنیست و غیر اسلامی. اهداف این جنبش با اهداف اسلامی و اپوزیسیون شبه اسلامی و ناسیونالیستی در تقابل است. این نیروی عظیم برای آزادی بیش از هر نیروی دیگر نیازمند آنست که افق سوسیالیستی مبنی بر نفی هر نوع تبعیض و نابرابری متحقق شود. متشکل شوید! سازمانهای مستقل و جمعهای متناسب با اوضاع را تشکیل دهید! حول سازمان آزادی زن گرد آید! پرچم واقعی و سوسیالیستی تان را برافرازدید و مانند زنان در انقلاب اکتبر شیپور انقلابی وسیع و آزادیخواهانه را در ایران بصدا درآوردید!

جوانان!

نسل جدید و خصوصیات انقلابی و خلاف جریانی آن را دیگر همه برسمیت شناخته اند. اگرچه بسیاری خواستههای نسل جدید را، که با احتساب رده سنی ۱۵ الی ۳۰ سال قریب هفتاد درصد جامعه را دربرمیگیرد، در آزادیهای فرهنگی خلاصه و مشروط میکنند، اما نسل جدید

در واقعیت خود نسلی علیه وضع موجود است. در جامعه ای که کار، مسکن، معاشرت، موزیک، جستجوی حقیقت، درس خواندن، تفریحات ویژه نسلی که خصوصیتی کشوری و "ملی" ندارد، نوع زندگی و لباس پوشیدن، و همه چیز زیر سوال است و با اختناق پاسخ میگیرد، نسل جدید یک بمب ساعتی است. جوانان آینده شان را به بقای ارتجاع و حاکمیت مثنی طفیلی آخوند نمیفروشند. اکثریت نسل جدید، چه زن و چه مرد، فرزندان خانواده های کارگری و متوسط جامعه هستند که آینده ای تضمین شده میخواهند. نه سانسور و قرنطینه فکری و فرهنگی و نه سرکوب و توحش در خیابانها و زندانها نتوانسته است و نمیتواند جلوی این سیل و تحرک وسیع اجتماعی را بگیرد. نسل جدید در اعتراضات اخیر، در دانشگاهها، در زندانها و شکنجه گاهها مورد وحشیانه ترین هجوم اسلاميون قرار گرفت. آنها میدانند که این نسل به جنگ حکومت اسلامی آمده و بدون شکست آن نمیتواند دور دیگری از حاکمیتشان را تضمین کنند. اما این نسل تنها شمه ای از قدرتش را نشان داد و برای پیروزی وارد این جنگ شده است. این نسل بدون تردید به تاریخ و گذشته و تجارب تاکنونی مراجعه میکند و باید مراجعه کند. اما هر جنبشی و هر نسلی در هر دوره تاریخی ناچار است که براساس مولفه های واقعی و عینی دنیای موجود امر آزادی و رهائی را تبیین کند و چکامه اش را از آینده بگیرد. پیروزی نسل جدید و برخورداری از یک زندگی مرفه و شاد و انسانی و آزادمشنانه و مدرن در گرو برافراشتن پرچم انقلابی و مدرنیستی - سوسیالیستی طبقه کارگر است. این نسل میتواند در کنار جنبش طبقه کارگر برای آزادی جامعه افق پیروزی را ببیند. خلاصی از معیارهای سنتی و عقب مانده فکری و اخلاقی فرتوت و اسلامی و مردسالار و شرقی و امتزاج در چهارچوبهای جهانی و آوانگارد و انترناسیونالیستی طبقه کارگر یک شرط پیشروی مبارزه نسل جدید برای رهائی از ارتجاع اسلامی است. متشکل

آدرس جدید سایت حزب

www.wupiran.org

به اطلاع میرسانیم که آدرس وب سایت حزب اتحاد کمونیسم کارگری تغییر کرده است. آدرس جدید وب سایت حزب www.wupiran.org است.

از سایتهائی که آدرس حزب را لینک کردند تقاضا داریم آدرس جدید را قرار دهند و از دوستان حزب اتحاد کمونیسم کارگری میخوایم که آدرس جدید سایت حزب را طی دوره ای مرتباً به اطلاع عموم برسانند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۹ سپتامبر ۲۰۰۹ - ۱۸ شهریور ۱۳۸۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری

آزادی" یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از جنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشینی دولتی بورژوازی، رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی .

"برابری"، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی، در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداره جامعه خود - برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فایده آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود - برابری ای که تنها با درهم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود .

"حکومت کارگری"، یعنی حکومت طبقاتی کارگران، حکومت استثمار شدگان و تولید کنندگان کل ثروت جامعه بر علیه استثمارگران، حکومت بردگان مزدی امروز و ناجیان فردای جامعه، حکومت کسانی که جامعه، نفس موجودیت و ثروت آن، بر کار و تلاش مدام آنها بنا شده است، حکومت کارگری یعنی طبقه کارگر متشکل بعنوان قدرت و طبقه رهایی بخش حاکم. حکومت کارگری یعنی حکومت سرکوب مقاومت استثمارگران در برابر رهایی بشریت تحت ستم. حکومت کارگری یعنی دیکتاتوری پرولتاریا علیه مدافعان فقر و فلاکت و استثمار و جهل و خرافه. حکومت کارگری یعنی دمکراسی برای کارگران و زحمتکشان و استثمار شوندهگان و سرکوب برای استثمارگران. حکومت کارگری یعنی ضمانت اجرایی واقعی آزادی و برابری.

وقتی کارگر از انقلاب صحبت میکند باید دقیقاً بداند که چه چیز میخواهد و چه چیز نمیخواهد. ما خواهان انقلاب کارگری علیه کل سیستم سرمایه داری و کل قدرت طبقه سرمایه داری هستیم. ما خواهان انقلاب کمونیستی هستیم که جامعه موجود را از بنیاد دگرگون میکند!

منصور حکمت

پیام پلنوم پنجم حزب اتحاد
کمونیسم کارگری به مردم
آزادخواه ایران...

شوید! در محلات و مراکز تحصیلی شوراها و نهادهای مستقل مبارزاتی تان را برپا کنید! جمهوری اسلامی و عوامل بسیجی را در محلات منزوی کنید! برای کنترل خیابانها و محلات ابتکارات لازم را در دستور بگذارید! جنگ امروز نهایتاً یک جنگ قدرت است و این جنگ قدرت باید در هر مرحله به قدرتیگری جنبش اعتراضی و وسعت اقدامات انقلابی و توان و تشکل و آمادگی توده وسیع مردم منجر شود.

مردم شریف و آزادیخواه ایران!

حزب همبستگی و همدردی عمیق خود را با خانواده های جان باختگان رویدادهای اخیر اعلام میکند. مسببین این جنایات و عاملین سه دهه جنایت علیه مردم باید روزی در دادگاههای منتخب و عادلانه و علنی مردم محاکمه شوند. مادام که این حکومت سرکار است، بجز جنایت و توحش سهمی عاید ما نخواهد شد. مسالمت آمیزترین و بی مشقت ترین راه اینست که این حکومت را تماماً سرنگون کرد و جامعه ای بدون اعدام، بدون زندانی سیاسی، بدون تبعیض، بدون مردسالاری و قوانین ارتجاعی، بدون طبقات و بردگی مزدی برپا کرد. امروز بیش از هر زمان ضروری است که پرچم انقلابی و کمونیستی کارگری را در مقابل راه حلهای دست راستی و مرتجع اسلامی و ناسیونالیستی برافرازیم و پیروزی با پرچم چپ را تضمین کنیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری رهبران و فعالین کارگری، زنان و جوانان آزادیخواه و انقلابی و سوسیالیست را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۹ سپتامبر ۲۰۰۹

اطلاعیه پایانی پلنوم پنجم حزب اتحاد کمونیسم کارگری

پلنوم پنجم حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تاریخ 4-6 سپتامبر 2009 با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی و تعدادی از کادرهای حزب بعنوان ناظر تشکیل شد. پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت بیاد جانباختگان راه سوسیالیسم، بیاد منصور حکمت و یاد جانباختگان مبارزات اخیر مردم در ایران کار خود را رسماً آغاز نمود. در ابتدا آئین نامه پلنوم به تصویب رسید و هیات رئیسه انتخاب شد. سپس دستو جلسه پلنوم به قرار زیر به تصویب رسید:

- 1- افتتاحیه؛ 2- گزارش عمومی فعالیت های حزب در فاصله دو پلنوم؛ 3- بحث پیرامون گزارش و مباحث مطروحه در افتتاحیه؛ 4- بیانیه اوضاع سیاسی؛ 5- اولویت های و پروژه های حزب؛ 6- قطعنامه زنده باد انقلاب کارگری؛ 7- روش برخورد به جنبش های بورژوازی؛ 8- انتخابات و 9- اختتامیه.

در سخنرانی افتتاحیه، علی جوادی در مورد خیزش اخیر مردم و هیجان و تحسینی که در سطح بین المللی نسبت به این مبارزات ایجاد شده صحبت کرد. وی گفت که در سی سال اخیر، پس از جنگ ویتنام، توجه جهانی نسبت به هیچ مبارزه اجتماعی دیگر این چنین جلب نشده بود. او گفت که روحیه مردم تغییر کرده است و همبستگی وسیعی میان مردم بوجود آمده است. پیش از این جناح راست جمهوری اسلامی موفق شده بود که با توجه به پیشروی های اسلام سیاسی در منطقه، جناح اصلاح طلب درون حکومت را عقب براند. اما نقش مردم و خیزش آنها معادلات سیاسی را تغییر داد. جنبش سرنگونی وارد یک فاز جدید شده است. منظره ها بسرعت عوض

میشوند. این واقعه برای ما قابل انتظار بود.

تحولات در ایران میتواند منطقه را زیر و رو کند. بر کل خاورمیانه تاثیر خواهد گذاشت. جنبش آزادی زن در ایران میتواند بر موقعیت زنان در کل منطقه تاثیر گذارد. اما سیر تحولات بهیچوجه محتوم نیست. و در اینجا است که نقش حزب ما بسیار تعیین کننده است. ما اگر بتوانیم از این پلنوم با این عزم بیرون برویم که باید پرچم یک انقلاب کارگری را به اهتزاز درآوریم بسیار مهم است. ما میتوانیم و باید پرچم آزادی، برابری و رفاه را به اهتزاز درآوریم. ما باید حزب را کاملاً به یک حزب سازمانده و رهبر تبدیل کنیم. ما باید از این پلنوم با این روحیه بیرون برویم که باید ملزومات انقلاب کارگری را فراهم کنیم و حلقه های گرهی را باز کنیم. ما تا همینجا توانسته ایم خط کمونیسم کارگری منصور حکمت را نمایندگی کنیم ولی این کافی نیست. انقلاب کارگری نیازمند پرچم، نیرو، سازمان، سخنگو و چهره ها است. ما باید این را تامین کنیم.

سپس آذر ماجدی گزارش عمومی از موقعیت حزب و فعالیت های آن در فاصله دو پلنوم ارائه داد. یک گزارش کتبی به پلنوم ارائه شده بود و لذا آذر ماجدی بر محورهای اصلی گزارش تاکید کرد. او گزارش را عمدتاً به دو عرصه نظری- سیاسی و حزب و جامعه تقسیم کرد و به هر یک از این دو عرصه در دو دوره از پلنوم 4 تا خیزش اخیر و دوره خیزش مردم اشاره کرد. وی گفت که با اعتماد کامل میتوان اعلام کرد که حزب خود را بعنوان پرچمدار کمونیسم کارگری منصور حکمت در عرصه سیاسی - نظری تثبیت کرده است. این واقعیت را چه پیش از برخورد و تحلیل خیزش مردم و چه بویژه در این دوره اخیر میتوان

مشاهده کرد. اما در عرصه حزب و جامعه و دسترسی به جامعه حزب نیازمند تقویت و تحکیم موقعیت خویش است. علیرغم اینکه حزب با توجه به موقعیت مالی و مادی خود توانسته است حضور نسبتاً برجسته ای را در رسانه های عمومی فارسی زبان و بین المللی تامین کند، اما این سطح بهیچوجه کافی نیست و باید بطور جدی بر تقویت و گسترش آن متمرکز شویم. در سطح بین المللی نیز موقعیت حزب پیشروی های جدی داشته است. در این بخش آذر ماجدی بر راه اندازی رادیو 24 ساعته حزب و تلاش برای تامین مالی آن تاکید بسیار کرد. وی همچنین بر گسترش عضوگیری تاکید نمود.

سپس مسئولین بخش های مختلف تشکیلات حزبی در مورد عرصه های فعالیت خود، کمیته سازمانده، نسرین رضمانعلی، تبلیغات، سیاوش دانشور، مالی، شهلا نوری و سعید مدانلو، کمیته روابط بین الملل، مریم کوشا، تشکیلات های حزب در خارج کشور و دفتر حقوق پناهندگی حزب، سیروان قادری و سایر رفقا صحبت کردند. همچنین در مورد موقعیت حزب در خارج کشور در دوره اخیر صحبت شد. در این بخش رفقا بر اهمیت و ضرورت برافراشتن پرچم سرخ در تجمعات خارج کشور که توسط حزب پیشنهاد شد، تاکید کردند. این یک سیاست بسیار مهم در شکل دادن به یک قطب چپ و سوسیالیست در مقابل دو جنبش ناسیونالیسم پرو غرب و سلطنت طلب و جنبش سبز ملی - اسلامی بود. سیاوش دانشور بویژه در مورد تجربه استکھلم که توانست قطب چپ را متمایز و متشکل کند و یک تفاوت چشمگیر با سایر نقاط را به نمایش بگذارد، صحبت کرد.

محمود احمدی نیز در مورد تجربه تورنتو، صف بندی چپ در اعتراضات اخیر در این شهر و نقاط ضعف و قدرت آن بحث کرد. نکته دیگری که طرح شد و مورد تاکید قرار گرفت، ایجاد شورای سرخ ها چه در داخل و چه در خارج کشور و تشکیل کمیته های همبستگی با مبارزات مردم برای آزادی، برابری و رفاه بود.

مبحث بعدی، بیانیه اوضاع سیاسی، توسط سیاوش دانشور ارائه شد. سیاوش دانشور تاکید کرد که این بیانیه ای در چهارچوب مباحث تکنونی حزب است و بر تحلیل های منصور حکمت، بویژه مبحث "بحران آخر"، قطعنامه های کنگره سوم و تحلیل های او از جنبش دو خرداد متکی است. اتفاقات اخیر و سیر تحول اوضاع سیاسی و حقانیت تحلیل های ما را به اثبات رساند. دعوی دو جناح رژیم بر سر بقاء است. راه سازش کور شده است. تحلیل ما کاملاً با سایر جریانات متمایز بود. بسیاری این واقعه را انقلاب نامیدند. ما گفتیم این یک جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم است. اما گفتیم که جامعه وارد یک دوران انقلابی شده است، یعنی شرایطی که بنا به تعریف کلاسیک مارکسیستی، جامعه وارد دوره ای میشود که بالایی ها و پایینی ها نمیتوانند به همان اشکال سابق با هم برخورد کنند. تعیین استراتژی کمونیستی برای انقلاب کارگری یک مساله مبرم و حیاتی است که در محور فعالیت های ما قرار گرفته است. اکنون دعوا بر سر سرنگونی است ولی سرنگونی تنها مساله نیست. جدال همچنین بر سر آینده جامعه است.

سپس پلنوم وارد یک بحث داغ و فعال در مورد بیانیه شد و در پایان بحث،

اطلاعیه پایانی پلنوم پنجم حزب اتحاد کمونیسم کارگری ...

نوری به دفتر سیاسی انتخاب شدند .

پلنوم با سخنرانی اختتامیه علی جوادی که در آن بر نقش تاریخی حزب در این دوره سرنوشت ساز و تاریخ ساز تاکید شد و پخش سرود انترناسیونال به پایان رسید.

دفتر سیاسی حزب طی جلسه کوتاهی رفقا علی جوادی، سیاوش دانشور و آذر ماجدی را به هیات دائر حزب انتخاب کرد و در مورد روند تشکیل جلسات دفتر سیاسی بحث و تصمیم گیری کرد

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

7 سپتامبر 2009

آینده این جنبش پس از سرنگونی رژیم اسلامی و همچنین موقعیت جنبش کمونیسم کارگری درگرفت. قطعنامه به اتفاق آرا به تصویب رسید.

پلنوم همچنین تصویب کرد که هیات دائر دو پیام، یکی خطاب به مردم ایران و یکی خطاب به مردم دنیا در حمایت مبارزات مردم ایران صادر کند.

در پایان برای تعیین دبیر کمیته مرکزی و دفتر سیاسی انتخابات انجام گرفت. ابتدا علی جوادی به اتفاق آرا به دبیری کمیته مرکزی انتخاب شد. پس از آن رفقا سیاوش دانشور، نسرین رضمانعلی، مریم کوشا، آذر ماجدی، سعید مدانلو و شهلا

را آذر ماجدی به پلنوم ارائه کرد. او گفت که مباحث مطروحه در این قطعنامه متکی بر اصول و اهداف کمونیستی ما، بر مانیفست کمونیست و برنامه یک دنیای بهتر است. از این رو برای همه ما کاملاً آشنا است و ضرورتی به بحث در مورد آن نیست. آنچه باید به آن پردازیم اینست که چه ضرورتی موجب شده ما قطعنامه ای در مورد ضرورت و میرمیت انقلاب کارگری در این پلنوم داشته باشیم. این قطعنامه در واقعیت پیام حزب به مردم، طبقه کارگر و کمونیست ها در مورد ضرورت و اهمیت سازماندهی یک انقلاب کارگری است. شرایط موجود در جامعه طرح چنین قطعنامه ای را ضروری کرده است. ما تنها حزبی هستیم که این چنین بر انقلاب کارگری تاکید میکنیم و در تلاش تاملین و سازماندهی ملزومات آن هستیم.

رفقا همگی با تاکید بر سازماندهی انقلاب کارگری از این قطعنامه دفاع نمودند و در پایان مبحث قطعنامه باتفاق آرا به تصویب رسید.

قطعنامه روش برخورد ما به جنبش های بورژوازی ملی اسلامی و ناسیونالیسم طرفدار غرب توسط علی جوادی عرضه شد. او بر ضرورت تقویت جنبشی و آرمانی میان جنبش کمونیسم کارگری و جنبش های دیگر تاکید کرد. او گفت که آن حزبی میتواند رهبری مردم را بدست گیرد که پایگاه قوی در جنبش خود داشته باشد. ضروری است که حزب اتحاد کمونیسم کارگری موقعیت خود را در جنبش کمونیسم کارگری تحکیم کند و بر سازماندهی درون این جنبش متمرکز شود.

بیانیه باتفاق آراء به تصویب رسید.

مبحث اولویت ها و پروژه های حزب توسط علی جوادی ارائه شد. او بر نقطه ضعف اصلی حزب یعنی ضعف دسترسی به جامعه تاکید گذاشت. تامین یک رادیوی ساتلایتی 24 ساعته و همچنین رادیوی اینترنتی یک راه فائق آمدن بر این ضعف است. باین منظور باید کادرهای حزب بر تامین هزینه این رادیو متمرکز شوند. علی جوادی سپس بر تلاش برای ایجاد شورای سرخ بعنوان تشکل توده ای کمونیستی در خارج کشور تاکید کرد. او گفت که امر سوسیالیسم مهم است و یکی از اصول این شوراها است. متأسفانه برخی از کمونیست ها زمانی که میخواهند کار توده ای کنند، سوسیالیسم را کنار میگذارند. کمیته های همبستگی در دفاع از مبارزات مردم ایران برای آزادی، برابری و رفاه نیز یکی از سیاست های مهم حزب در خارج کشور است. در این جنبش همبستگی باید بر خصلت آزادیخواهانه و برابری طلبانه مبارزات مردم تاکید کنیم. سیاست های عموم خلقی کاملاً نفع راست تمام میشود. بحث پلنوم در این بخش بر مساله راه اندازی رادیوی 24 ساعته و تقویت بینه مالی حزب متمرکز شد. کلیه رفقا فعالانه در این بخش دخالت کردند و پیشنهاد نمودند که قراری در این رابطه به تصویب رسد.

در پایان این مبحث قرار زیر به اتفاق آراء به تصویب رسید: "پلنوم از هیات دائر حزب میخواهد که رادیو ۲۴ ساعته را راه اندازی کند و متعهد میشود که کمیته مرکزی مخارج آن را تامین خواهد کرد."

سپس بحث داغ و فعالی بر سر مولفه های جنبش ملی - اسلامی و

قطعنامه زنده باد انقلاب کارگری

آدرس تماس با مسئولین

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی) Ali_Javadi@yahoo.com
Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی

(علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی)

AzarMajedi@yahoo.com siavash_d@yahoo.com

کمیته سازمانده (علی جوادی، نسرین رضمانعلی)

nasrin_ramzanali@yahoo.com

مسئول خارج کشور (آذر ماجدی) AzarMajedi@yahoo.com

مسئول سایت و آی تی حزب (مجید پستچی)

x_magid@yahoo.com

دبیرخانه (شراره نوری)

markazi.wupi@gmail.com

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک کنید!

Bank : Wells Fargo Bank – N. America Routing
Number : 121 000 248

Account Number: 36 48 46 88 52

بیانیه حزب

در باره اوضاع سیاسی ایران

۱- جمهوری اسلامی هیچگاه خواست و تمایلات توده های مردم را نمایندگی نکرده است و از روز نخست با مخالفت و اعتراض جنبش های مختلف اجتماعی از جمله جنبش حقوق زن، جنبش کارگری و جریان چپ و کمونیستی روبرو بوده است. جمهوری اسلامی محصول سرکوب خونین انقلاب ۵۷ و محصول وحشت بورژوازی جهانی از قدرت گیری کارگر و کمونیسم در متن معادلات جنگ سرد است. جمهوری اسلامی هیچگاه به رژیم متعارف بورژوازی بدل نشده و همواره با بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران در تناقض بوده است. رژیم اسلامی از ابتدا یک وصله ناجور بر پیکر جامعه بوده است.

۲- جمهوری اسلامی یک پروژه شکست خورده است. سرمایه داری ایران تحت جمهوری اسلامی نتوانست سیر متعارف شدن، ادغام در بازار جهانی، تامین سرمایه و تکنولوژی مورد نیاز یک کشور صنعتی در حال رشد و یک روند انکشاف و بازتولید گسترده سرمایه داری را بگذراند. بحران رژیم اسلامی یک بحران همه جانبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و بحرانی لاعلاج است.

۳- جمهوری اسلامی از همان ابتدا، بمنظور بقاء، یک سیستم پیچیده و بسیار خشن سرکوب را در درون جامعه و یک جنبش تروریستی اسلامی با پوشش ایدئولوژیکی آنتی امپریالیستی را در سطح منطقه و جهان سازمان داد. سیاست "سرکوب انقلاب تحت نام انقلاب" اصلی ترین سیاست رژیم در سال های اول به قدرت رسیدن بود. این سیاست مورد توافق کلیه جناح های رژیم بود. برای دوره کوتاهی ضمن توافق بر سرکوب خشن هر نوع

اعتراض اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه، جناح های رژیم بر سر الگوهای مختلف اقتصادی وارد جدال با یکدیگر شدند. اما از سال ۱۳۷۶ صریحا و رسما جدال جناح ها محتوای دیگری یافت و هدف متفاوتی را دنبال میکرد. جنگ و جدالهای درون حکومتی در این دوره نه جدالی بر سر خط مشی حاکمیت در قلمروهای اقتصادی و فرهنگی بلکه اساسا جدالی بر سر بقای حکومت اسلامی بوده است.

جنبش دوم خرداد برای بقاء نظام و بمنظور رودروئی با نسل جدیدی که علیه اسلام، ارزشها و حکومت اسلامی بپا خواسته بود، به میدان آمد. با این تحول دو جناح رژیم اسلامی عملا و علنا وارد جنگی شدند که منصور حکمت آنرا "جنگ بازنده ها" نامید. ما در همان زمان اعلام کردیم که این جریان قادر به نجات جمهوری اسلامی نیست. عروج جنبش سرنگونی در مقیاسی توده ای و شکست دوخرداد تأییدی بود بر تحلیل های ما از ماهیت بحران جمهوری اسلامی، جدال دو جناح، اصلاح ناپذیری رژیم، و این واقعیت که بحران رژیم اسلامی راه حلی ندارد. ما همواره تأکید کرده ایم که جدال سیاسی در ایران نه دو جناح بلکه سه جناح دارد. جناح سوم، توده های مردمی هستند که در کمین رژیم اسلامی نشسته و از هر فرصتی برای ضربه زدن بمنظور سرنگونی آن استفاده میکنند.

اکنون وضعیت سیاسی در ایران هم برای بالائی ها و هم برای پائینی ها وارد دوره جدید و تعیین کننده ای شده است. توده وسیع مردم سرنگونی طلب با قدرت بسیار وسیع تری بمیدان آمده اند. از یک سو جدال دو جناح با یکدیگر و از سوی دیگر رو در روی مردم با کلیت نظام، وارد نقطه غیر قابل

بازگشت شده است. نه فقط سازشی در بالا میان دو جناح حکومتی متصور نیست، بلکه مردم نیز در چهارچوب جناح های رژیم متوقف نشده و نخواهند شد. سرنگونی رژیم اسلامی محتوم است.

۴- تشدید بحران در بالا انعکاسی از تشدید اعتراض در پائین است. سیاستی که جریان خامنه ای - احمدی نژاد با هدف تصفیه جناح رقیب در پیش گرفته، علیرغم تحلیلهای سطحی ناباوران، قابل بازگشت نیست و خود شاخصی روشن از عدم امکان تغییر در چهارچوب های حکومتی است. این بحران نتیجه شکافهای عمیقی است که جنگ قدرت را به دوراهی تعیین کننده رسانده است. سیاست حفظ احمدی نژاد با توسل به تقلب گسترده و سرکوب جناح مقابل تحت نام "نوکران آمریکا" و "عناصر انقلاب مخملی" تنها راه موجود در مقابل جناح راست حکومت بود. این سیاست موجب تضعیف و شکنندگی بیشتر جمهوری اسلامی در مقابل مردم شده است. اما این اقدامات آخرین برگهای رژیم برای بقا حکومت اسلامی است. راه سازش بروی این خط باز نیست. جناح اصلاح طلبان حکومتی نیز که خواهان تعدیل و "اصلاح" حکومت اسلامی است، به بن بست رسیده و تماما شکست خورده است. بسته شدن امکان سازش دو جناح و بویژه تلاش جناح راست برای حذف اصلاح طلبان حکومتی، خط مشی تغییر در چهارچوب قانون و "انتخابات" را با فلج سیاسی روبرو کرده است. تردیدی نیست که مادام که جمهوری اسلامی وجود دارد جناح بندیهای درون حکومت در اشکال جدیدی بازتولید میشود. اما خط اصلاح جمهوری اسلامی، بعنوان یک خط مشی برای بقا حکومت اسلامی، به پایان رسیده است. جمهوری اسلامی وارد راه بدون بازگشت شده است.

۵- در متن شکاف درون حکومت و تشدید جدال در بالا، مردمی که خواهان سرنگونی رژیم اسلامی اند، در ابعاد دهها میلیونی وارد میدان شده اند. این نه جنبشی در دفاع از یک جناح حکومت بلکه جنبشی برای عقب راندن و سرنگونی کل جمهوری اسلامی است. مردم نه دولت نظامی متکی بر اوباش و قمه کشان و متجاوزین احمدی نژاد را میپذیرند و نه در چهارچوبهای اسلامی و خمینی چی جریان موسوی - خاتمی - کروی متوقف میشوند. مردم طرفدار موسوی نیستند. آنها در تناسب قوای فعلی موسوی را سپر کرده اند تا خامنه ای و در واقع کل حکومت اسلامی را عقب برانند. اساس تلاش جریان موسوی و مونتلفینش حفظ نظام است. اما مردم با سوت موسوی متوقف نمیشوند. سیر عبور از این جریان هر روز سرعت و وسعت بیشتری می یابد، همانطور که با شدت گرفتن اعتراضات، شعارها و تاکتیکهای مردم کل حکومت را نشانده گرفت. مردم خواهان نابودی حکومت اسلامی هستند، نه حفظ میراث کثیف خمینی و الله اکبر. در ایران دوره ای آغاز شده است که جمهوری اسلامی از نظر مردم کارش تمام شده است. روند فروپاشی، تصفیه درونی، حکومتهای نظامی، و دست بدست شدن دولتها آغاز شده است.

۶- جامعه ایران وارد یک دوران انقلابی و پرتلاطم سیاسی شده است. دوره ای که مشخصه اش باز شدن مسئله قدرت سیاسی، تشدید کشمکش طبقات و جنبشهای طبقاتی، جنگ افقهای چپ و راست برسر آینده ایران، و در محور آن مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی است. از دل این تحولات میتواند یک انقلاب عظیم توده ای سربلند کند. از نقطه نظر ما انقلاب ایران انقلابی کارگری خواهد بود با هدف اثباتی ایجاد یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی. جدال امروز به این معنا نه صرفا جدالی برسر بود و نبود رژیم اسلامی بلکه جدالی برسر نظام بعدی جامعه ایران نیز هست. آنچه امروز در متن

فکری و تحلیلی کمونیسم کارگری، سیر جدال جناح های حکومتی و چشم انداز آن، دورنمای جدالهای وسیع تر چپ و راست، امکان پیروزی کمونیسم در ایران و وظایف حزب و کمونیستها برای تقویت آلترناتیو کارگری، ضرورت تشکل و تحزب و پیوستن به اردوی انقلاب کارگری و حزب اتحاد کمونیسم کارگری سخن گفت.



در ادامه جلسه وارد پرسش و پاسخ و اظهار نظر شد. سوالات متعدد و کلیدی توسط شرکت کنندگان در جلسه طرح شد و بحث دوستانه و گرمی پیرامون آنها صورت گرفت.



حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۹ سپتامبر ۲۰۰۹

برگزاری جلسه گفت و شنود با رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری

روز جمعه ۴ سپتامبر در شهر گوتنبرگ جلسه ای سیاسی با شرکت اعضای هیئت دائر حزب، آذر ماجدی، علی جوادی و سیاوش دانشور برگزار شد. ابتدا علی جوادی دبیر کمیته مرکزی حزب به حاضرین خوش آمد گفت و اشاره کرد رویدادها و شعارهای دوره اخیر بسیاری را غافلگیر است اما آنچه مسلم است دوران سرنگونی رژیم مرتجع اسلامی و جدال بر سر آینده ایران شروع شده است. آرزوهای دیرینه مردم برای رهائی از بختک اسلامی در شرف به واقعیت پیوستن است.



سپس آذر ماجدی و سیاوش دانشور سخنرانی کردند. آذر ماجدی در باره ویژگیهای تحولات اخیر از جمله نقش زنان و نسل جدید و تحولاتی که این نیروهای اجتماعی را جلو صحنه رانده است، اهمیت منطقه ای و جهانی مبارزات مردم ایران بویژه در تعیین تکلیف اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی، خصوصیات مدرنیستی و آزادیخواهانه این مبارزات و ضرورت تلاش یک پیروزی کمونیستی کارگری سخن گفت. سیاوش دانشور در باره ماهیت تحولات اخیر از دید حزب اتحاد کمونیسم کارگری و دو دیدگاه عمومی تر راجع به اوضاع سیاسی ایران، حقانیت بنیادهای

بیانیه حزب در باره اوضاع سیاسی ایران ...

جنگ با جمهوری اسلامی هر روز روشن تر میشود این حکم است که این جنبشی "همه با هم" برای سرنگونی نیست. بلکه جنبشی است که افقهای متفاوت اجتماعی و طبقاتی میکوشند برسیر حرکت امروز و شکل دادن به فردا نقش ایفا کنند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و برابری طلب را به انقلاب علیه حکومت اسلامی و نظام سرمایه داری و برپائی حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی، فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

سپتامبر ۲۰۰۹

مصوب پلنوم پنجم حزب به اتفاق آرا

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>
www.m-hekmat.com/

زنده باد انقلاب کارگری

۱ - جمهوری اسلامی در حال سرنگونی است. حکومت اسلامی و نظام سیاسی در ایران، بعنوان یک نظام و رژیم سیاسی استبدادی مذهبی، مرتجع و ضد انسانی مورد تعرض توده وسیع مردم است. این حکومت که بزور سرنیزه و کشتار تا اینجا دوام آورده است، اکنون رودرروی نسل جدیدی از مردم است که در مقیاس دهها میلیونی آزادی و حقوق مدنی خود را مطالبه میکنند. حکومت سرنیزه و سیاست سرکوب، ارباب، شکنجه و تجاوز پاسخگوی این موج اعتراضی نیست. حکومت اسلامی "اصلاح شده" نیز رویایی کودکانه بیش نیست. موقعیت کل حکومت و هر دو جناح آن لاعلاج و مستاصلانه است. بطور عینی مستقل از هر سیاست و تلاشی از جانب هر یک از جناح ها، کل جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی راه خروجی از این مهلکه ندارند. سرنگونی رژیم اسلامی در دستور روز جامعه قرار دارد. اعتراضات عظیم و خیزشهای توده ای در ایران بخشی از روند سرنگونی و سقوط محتوم رژیم اسلامی است.

۲ - جامعه اکنون وارد یک دوره از برآمد سیاسی توده ای و تلاطمات انقلابی شده است. حضور گسترده مردم در ابعاد میلیونی در تحولات سیاسی جامعه یک ویژگی دوران اخیر است. این تحولات شروع دور جدیدی از اعتراضات عظیم توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی است. از دل این تحولات میتواند و باید یک انقلاب عظیم توده ای در ایران شکل بگیرد. از نقطه نظر کمونیسم کارگری انقلاب در ایران تنها میتواند یک انقلاب کارگری باشد. برای کمونیسم کارگری انقلاب یعنی خیزش طبقه کارگر برای عملی کردن تمام این تحول عظیم

اجتماعی، یعنی مبارزه برای تحقق آزادی، برابری و حکومت کارگری. طبقه کارگر باید بطور مستقل و بعنوان رهبر رهائی کل جامعه به میدان بیاید. دوران کشیده شدن کارگران بدنبال جریانات بورژوازی بسر رسیده است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای تجهیز کارگران به این دورنما، سازماندهی حرکت مستقل کارگران، تامین رهبری برای کسب قدرت سیاسی و انجام انقلاب کارگری تلاش میکند.

۳ - انقلاب کارگری مطلوب ترین، سازمانیافته ترین، متمدانه ترین و فاطعانه ترین شکل پایان دادن به تمامی مصائب موجود در این جامعه وارونه است. جامعه ای که در آن تولید کنندگان ثروت جامعه، کارگران، بی چیزند و بیکارگان ثروتمند. پست ترین و فرومایه ترین عناصر، نجبا و عالیجنابان این جامعه اند و شریف ترین مردم، توده زحمتکشان فرودست و بی حقوق اند. آنها که یک عمر کار کرده اند و ثروت ساخته اند حتی پس از سی سال برای گذران هر روز از زندگی خود باید از نو برای کارشان مشتری پیدا کنند. قدرت خلاقه و مولد کارگر خود را در قدرت اجتماعی و سیاسی روزافزون سرمایه و فرودستی هرچه بیشتر کارگر نشان میدهد. برای حفظ این جامعه وارونه دولت ها پیدا شده اند، ارتشها ایجاد شده اند، زندانها و شکنجه گاهها بنا شده اند، خدایان آفریده شده اند و مذاهب ساخته شده اند. این جامعه مبتنی بر بردگی است: بردگی مزدی. هیچ درجه رشد خدمات اجتماعی و بیمه ها و افزایش درآمد کارگران که تازه همه باید با نبرد و با زور از حلقوم طبقات حاکم بیرون کشیده شوند، در اساس این موقعیت برده وار کارگر تغییری نمیدهد. کودکی که امروز در میان ما متولد میشود مهر استخدام سرمایه شدن را بر پیشانی خود دارد. کل تبعیضات اجتماعی و سیاسی و کل فساد و

تباهی اخلاقی جامعه حاضر، از ستمگری بر زنان و تبعیض نژادی تا اعتیاد و فحشا، از رقابت و منفعت طلبی فردی که در خون جامعه جریان دارد تا قحطی و گرسنگی و بیماری که هر روز میلیونها انسان محروم را بکام مرگ میکشد، همه حاصل این وارونگی جامعه اند؛ جامعه ای که صاحبان برحق و آفرینندگان واقعی آن، کارگران، اسیر بردگی مزدی اند. انقلاب کارگری بر سر در هم کوبیدن بنیاد این جامعه طبقاتی است. بنیاد این نظام مالکیت خصوصی اقلیتی کوچک بر وسائل تولید در جامعه است. مادام که انسانها برای نان خوردن و برای برخوردار شدن از حداقلی از رفاه ناگزیرند برای کس دیگری کار کنند که اختیار وسائل تولید را در دست گرفته است، مادام که تولید اجتماعی و تامین مایحتاج بشر تنها از طریق سود رسانی به مالکان انگل وسائل تولید ممکن است، صحبتی از آزادی و برابری انسانها و از میان بردن محرومیت ها و تبعیضات نمیتواند در میان باشد. انقلاب کارگری در اساس خود انقلابی علیه مالکیت خصوصی طبقه سرمایه دار بر وسائل کار و تولید اجتماعی و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. انقلاب کارگری انقلابی برای محو طبقات و استثمار طبقاتی است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای سرنگونی رژیم اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران در پس یک انقلاب کارگری تلاش میکند.

۴ - پیروزی کمونیسم کارگری و رهایی مردم در جدال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان

مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد؛ و ثانیاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی بیخاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک آلترناتیو سیاسی و اجتماعی واقعبینانه و قابل تحقق بنگرند. تحقق این ملزومات وظیفه حیاتی حزب اتحاد کمونیسم کارگری است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری باید به حزب سیاسی کارگران و رهبر انقلاب مردم بدل شود.

۵ - تحولات امروز ایران فقط بر سر بود و نبود رژیم اسلامی نیست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. این آینده میتواند، اگر ما شکست بخوریم، تکرار همان گذشته نکبت بار سلطنتی و اسلامی در قالبی جدید باشد. اما اگر پیروز بشویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه این آینده شاهد برپایی جامعه ای آزاد، برابر، مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. اکنون یک فرصت کم نظیر تاریخی فراهم شده است که طبقه کارگر در ایران به یک قرن سلطه احزاب رنگارنگ طبقات حاکم به زندگی مردم و مقدرات جامعه پایان دهد. این فرصت فراهم شده است تا کارگر و کمونیسم نمونه شکوهمندی از یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی را در ایران بنا کند و در سالهای نخستین قرن جدید جلوی چشم تمام جهان قرار بدهد.

زنده باد

انقلاب کارگری ...

حزب اتحاد کمونیسم کارگری تاکید میکند که رئوس عمومی استراتژی پیروزمند کمونیستی کارگری در گرو:

۱ - تامین استقلال سیاسی و تشکیلاتی جنبش طبقه کارگر و بمیدان آمدن این طبقه با پرچم سوسیالیستی اش است. جنبش طبقه کارگر جنبشی برای رهائی جامعه است و باید در ابعاد وسیع اجتماعی بمثابه آلترناتیو آزادی جامعه قد علم کند.

۲ - تشکل های توده ای کارگری در کنار تشکلهای حزبی طبقه، یک رکن اساسی مبارزه طبقاتی کارگران است. پیشروی و پیروزی در مبارزه علیه بورژوازی و استقرار حکومت کارگری بدون ایجاد و تقویت ارگانهای اعمال اراده توده ای اعم از مجامع عمومی و شوراهای و اتحاد وسیع توده های طبقه کارگر مقدور نیست.

۳ - متشکل شدن و انسجام هر چه بیشتر گرایش رادیکال - سوسیالیست طبقه کارگر بعنوان ستون فقرات انقلاب کارگری امری حیاتی است. کارگران کمونیست و حزب کمونیستی کارگری باید پرچمدار متحد کردن صفوف کارگران و ابراز وجود مستقل طبقه کارگر باشند. حزب کمونیستی کارگری باید به رهبر مبارزه توده های مردم برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی بدل شود.

۴ - یک شرط پیشروی امر انقلاب کارگری و سوسیالیسم نقد مستمر انواع گرایشات بورژوائی و غیر کارگری است.

۵ - انقلاب کارگری یک انقلاب سازمان یافته و آگاهانه است. حزب سیاسی طبقه کارگر و فعالیت کمونیستی کارگری اساسا تلاشی معطوف به سازماندهی و تامین رهبری در یک مقیاس وسیع است. تبدیل حزب اتحاد کمونیسم کارگری به حزب سیاسی "سازمانده - رهبر" که قادر به تامین این ملزومات باشد اولویت اساسی ماست. حزب اتحاد کمونیسم کارگری تمامی فعالین و نیروهای انقلاب کارگری را به تشدید فعالیت برای تحقق ملزومات و سازماندهی این امر خطیر تاریخی فرا میخواند.

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری، حزب انقلاب کارگری، بپیوندید!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

سپتامبر ۲۰۰۹

مصوب پلنوم ۵ حزب باتفاق آراء

منشور

آزادی، برابری و رفاه

مصوب دفتر سیاسی حزب

آزادی

۱- سکولاریسم: جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهبی.

۲- آزادی بیان: آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۳- آزادی تمامی زندانیان سیاسی: لغو مقوله "جرم سیاسی"، لغو مجازات اعدام، ممنوعیت شکنجه و یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم و روان افراد.

۴- آزادی پوشش: آزادی بی قید و شرط انتخاب نوع پوشش.

۵- محاکمه تمامی آمرین و عاملین جنایت توسط دادگاههای منتخب و عادلانه مردم.

برابری

۶- برابری زن و مرد: برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو حجاب. لغو جدا سازیها و آپارتاید جنسی.

۷- برابری حقوقی: برابری کامل حقوقی همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

رفاه

۸- حداقل دستمزد: تعیین حداقل دستمزد مکفی توسط نمایندگان تشکل های سراسری کارگری. در شرایط کنونی حداقل دستمزد باید یک میلیون تومان باشد.

۹- بیمه بیکاری: پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار و آماده به کار. پرداخت بیمه بازنشستگی معادل حداقل دستمزد رسمی.

۱۰- طب و درمان رایگان و قابل دسترس، آموزش رایگان در تمامی سطوح، تامین مسکن مناسب برای همگان: هزینه مسکن نباید از ده درصد درآمد فرد یا خانواده بیشتر باشد.

قطعه‌نامه در باره

روش برخورد به جنبش "ملی-اسلامی" و "ناسیونالیسم طرفدار غرب"

جامعه آزاد سوسیالیستی در ایران است. یک پایه فعالیت حزب اتحاد کمونیسم کارگری در این راستا معطوف به جدا کردن مردم ایران از هر آلترناتیو و خط مشی بورژوازی و سوق دادن آنها به یک موضع چپ و انقلابی در تحولات سیاسی جاری است. در این راستا بالا بردن توقعات و انتظارات مردم و نپذیرفتن نقطه سازشهایی که هیات حاکمه و یا بخشهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی قدم به قدم برای کنترل و مهار مبارزات توده های مردم آزادیخواه و برابری طلب در مقابل جامعه قرار میدهد، یک شاخص تعیین کننده است.

۵ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری هر تلاشی برای اتحاد عمل میان جنبش کمونیسم کارگری و نیروهای این جنبشهای ارتجاعی را یک امر غیر واقعی، غیر قابل حصول و همچنین نامطلوب ارزیابی میکند. ما برای آزادی، برابری، رفاه، حکومت کارگری و یک جمهوری سوسیالیستی تلاش میکنیم و این هدف از طریق وحدت با جریانات مدافع بازار آزاد، آمریکا، سلطنت، اسلام ناب محمدی و "جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر"، ممکن نیست. تحولات آتی ایران "همه با هم" و با تکرار تحولات ۱۳۵۷ نخواهد بود و این جنبشها یک رهبری واحد را نخواهند پذیرفت.

۶ - یک بخش مهم جدال میان جنبشهای اجتماعی کشمکش بر سر هژمونی سیاسی در اعتراضات جامعه و در سیر مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. اینکه کدام جنبش و نیروها در این پروسه دست بالا را پیدا میکنند محصول انتخاب سیاسی توده های مردم سرنگونی طلب است. این انتخاب بدوا یک انتخاب حزبی

غرب قدیمی ترین و ریشه دار ترین سنت و جنبش سیاسی در ایران امروز است، ارتجاعی است، اما کهنه نیست. چون کاپیتالیزم و غرب امروز، کاپیتالیزم و غرب صد سال قبل نیست. این جنبش بورژوازی ایران است برای شرکت تمام و کمال در سرمایه داری جهانی و دگرگون شده امروز. این جنبشی است که هژمونی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی غرب را نه فقط میپذیرد، بلکه هویت خود میداند. خود را نماینده این قطب جهانی در ایران اعلام میکند. از نظر اقتصادی این یک جریان عمیقاً محافظه کار و مدافع بازار آزاد است. از نظر سیاسی کوچکترین توهمی به ایجاد یک سازش طبقاتی بر مبنای تعدیل ثروت در جامعه ندارد و شدیداً آنتی کمونیست و ضد کارگر است. از نظر فرهنگی مدافع مدل جامعه غربی است، اما دقیقاً منطبق بر الگوی ایدئولوژیکی حاکم بر غرب در این دوران، ابداء، روشنگر و مدرنیست نیست. بلکه کاملاً خواهان بقای نقش مذهب، باورها و افکار و نهادهای سنتی بعنوان نیروهای کمکی در حفظ اقتدار بورژوازی در برابر طبقه کارگر و سوسیالیسم و کمونیسم کارگری این دوره است. این جنبش با زوال جمهوری اسلامی بخشهای مهمی از اپوزیسیون سنتی ملی اسلامی و مدافعان رژیم کنونی را نیز در تقابل با کمونیسم و کارگر بخود جذب میکند.

۴ - جنبش کمونیسم کارگری از نظر سیاسی، نظری و چهارچوبهای فکری و فرهنگی از اساس با این دو جنبش بورژوازی متفاوت است. اختلافات به شدت عمیق، عقیدتی و طبقاتی است. کمونیسم کارگری تنها اردوی پرچمدار آزادی، برابری، رفاه و یک

اسلامی و یا خلق گرایی جناحهای چپ این جنبش، وعده تعدیل ثروت و ایده ایجاد یک جامعه مبتنی بر سازش طبقاتی و تمکین کارگران به بورژوازی خودی به مبنای هویت اقتصادی این جنبش بدل میشود. بخش عمده اپوزیسیون سازشکار و طرفدار حکومت اسلامی به این جنبش تعلق دارند. این یک قطب سیاسی عقب مانده، ارتجاعی و بیگانه با آزادی و حقوق مدنی مردم است. این جنبشی است که پشت سر خمینی رفت، برخی از نیروهایش در حکومت اسلامی شریک شدند و همواره جناحی از رژیم اسلامی را در این سی سال "مترقی و قابل دفاع" ارزیابی کرده است. با عروج جنبش ارتجاعی "دوم خرداد" جریانات متعدد این جنبش بزیر این پرچم گرد آمدند. امروز نیز با شکل گیری "جنبش سبز" و شدت گیری جدال جناحهای رژیم اسلامی، بزیر این پرچم ارتجاعی جمع شده اند. اما این نیز صرفاً یک دوره گذرا در حیات جنبش ملی-اسلامی است. "جنبش سبز" اساساً برای بقاء حکومت اسلامی در اشکال جدید و یا جرح و تعدیل شده فعالیت میکند. این جنبش حفظ بنیادهای رژیم کنونی را تنها راه حفظ نفوذ خویش در حاکمیت اسلامی و مقابله با جنبشهای سیاسی خواهان سرنگونی رژیم اسلامی تلقی میکند. تلاش برای کنترل و مهار جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم یک رکن تلاش این جنبش ارتجاعی است. عمر سیاسی مفید کل جنبش ملی-اسلامی حداکثر باندازه عمر حکومت اسلامی است. با سرنگونی رژیم اسلامی پرونده اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی در سیاست ایران بسته میشود و نیروهای مختلف این جنبش به محافل و گروهبندهای کم تأثیری در حاشیه جدال نیروهای اصلی راست و چپ در جامعه تبدیل میشوند.

۳ - ناسیونالیسم طرفدار غرب: ناسیونالیسم محافظه کار طرفدار

۱ - صحنه سیاسی ایران یکبار دیگر برای ابراز وجود جنبشها و احزاب طبقات مختلف باز شده است. از هم اکنون کشمکش طبقات و جنبشهای اجتماعی بر سر اینکه چه نظامی باید بر جای رژیم اسلامی بنشیند در بطن مبارزه علیه این حکومت بطور گسترده در جریان است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی و تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. از نقطه نظر حزب اتحاد کمونیسم کارگری خیزش کنونی توده های مردم علیه رژیم اسلامی میتواند حلقه ای در یک انقلاب عظیم اجتماعی برای برقراری یک نظام سوسیالیستی در ایران باشد. اما جنبش کمونیسم کارگری تنها نیروی اجتماعی مدعی قدرت سیاسی در جامعه نیست. دو جنبش بورژوازی دیگر، جنبش سنتی "ملی-اسلامی" و جنبش "ناسیونالیسم طرفدار غرب" در عین حال مدعی قدرت سیاسی در جامعه هستند. جدال میان این جنبشها بخشی از یک کشمکش تاریخی بر سر آلترناتیوها است.

۲ - اپوزیسیون سنتی ملی اسلامی: این یک جنبش واقعی و گسترده است. نیروها و محافل سیاسی متعددی با پرچم های ایدئولوژیک گوناگون به این کمپ تعلق دارند. این یک جنبش بورژوازی خاص در ایران است که در تقابل با افق غربی و آمریکایی اردوی دیگر این طبقه، سننا امیدوار بوده است که بتواند پایه حاکمیت سرمایه و سرمایه داری در ایران را بر تقابل و رقابت با غرب استوار کند. از نظر سازمانی گروهها و محافل متعدد این طیف حاصل تلاشی و تجزیه احزاب اصلی اپوزیسیون سنتی ایران، یعنی حزب توده و جبهه ملی و همینطور تحولات درونی اسلام سیاسی قرن بیستم ایران اند. عوام فریبی، مستضعف پناهی و شرقتزدگی جریان

قطعنامه در باره روش برخورد به جنبش "ملی-اسلامی" و "ناسیونالیسم طرفدار غرب" ...

نیست. یک انتخاب اجتماعی است. مردم در خطوط کلی میان راست و چپ انتخاب میکنند. مساله این است که کدام افق آلترناتیو در برابر رژیم اسلامی در خطوط کلی در اعتراضات دست بالا را پیدا میکند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری میکوشد مردم در سرنگونی رژیم اسلامی نه به یک آلترناتیو راست و یا "سبز اسلامی" بلکه به یک راه حل رادیکال، آزادیخواهانه، چپ و کمونیستی روی آورند. تعمیق نه مردم یک اهرم پیشروی ماست. از این رو در حال حاضر تعیین حزبی و جنبشی در جامعه و بویژه تفکیک آرمانی و برنامه ای و سیاسی برای جنبش ما از اهمیت اساسی برخوردار است. حزب در عین حال قاطعانه سیاستهایی که سازش و معدل گیری میان جنبش کمونیسم کارگری با جنبشهای بورژوایی را تبلیغ میکنند، نقد و افشاء میکند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمنظور سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و استقرار یک جمهوری سوسیالیستی، مردم را به اردوی کمونیسم کارگری، اردوی آزادی، برابری، رفاه و انسانیت فرا میخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

سپتامبر ۲۰۰۹

مصوب پلنوم ۵ حزب باتفاق آراء

- برای رد اعتبار نامه رژیم اسلامی در مجامع بین المللی،

- برای منجمد کردن حسابهای بانکی سران رژیم اسلامی،

- برای محاکمه سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران

دادخواست زیر را امضا کنید!

<http://www.petitiononline.com/mk072009/petition.html>



ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

زنده باد شوراها

مصوب دفتر سیاسی حزب

۱- بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخساز قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزرگوار کشیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بپاخواسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمانیافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانهای مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراها، در سراسر جامعه است.

۲- یک هدف شوراها گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانها ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراها همچنین از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراها را سازمان داد.

۳- شورا کاراترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم و مستمر توده های مردم است و باید جایگزین قدرت ارتجاع اسلامی شود.

۴- طبقه کارگر باید بسرعت شوراهای خود را ایجاد کند. شوراها امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراها امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میآورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراها در محیط زیست و کار باشند.

۵- شوراهای محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپائی شوراها فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

کارگران! علیه سرمایه داری بپاخیزید!

ورشکستگان سیاسی و جامعه غیر قابل پیش بینی؟

کامران پایدار

جامعه غیر قابل پیش بینی این عنوان نقدیست که اخیرا عباس عیدی از عوامل خود حکومت اسلامی در باره حوادث پس از مضحکه انتخاباتی نوشته است. امروز دیگر این تنها عباس عیدی نیست که دغدغه چگونگی دوام و بقای ماشین سرکوب و جنایت اسلامی را دارد. امروز دیگر نه عباس عیدی بلکه تمام جناحها و فرقه های حکومت اسلامی سرمایه داران، از باندهای راست سیاه تا سبزه های جنایتکار اصلاح طلب و از نیروهای راست پرو غرب تا کشورهای سرمایه داری اروپا و آمریکا، همه با هم برای چگونگی و ادامه کاری حاکمیت سیاه اسلامی دخیل مشترک بسته اند. همه نگران روند اوضاع ایران اند چون میدانند داستان برسر "انتخابات" نیست. منافع هر یک از این باندهای حرفه ای دستگاه قتل و جنایت و دزدی به طریقی به خطر افتاده است. از اکبر گنجی سازمانده زندانها و شکنجه گاهها، تار فسنجانی "مرد عبور از بحران"، از کربوبی و موسوی با علم و کتل سبز تا خامنه ای و احمدی نژاد قاتل، از بنگاههای سخن پراکنی بی بی سی و صدای آمریکا تا فرخ نگهدارها و نهضت آزادی و امثالهم، از وحشت سرنگونی برای "اسلام خوش خیم" و "جمهوری اسلامی اصلاح و تعدیل شده" عرق میریزند و بجائی نمیرسند! اوضاع بسیار ملتهب و پیچیده است و واقعا هم آینده برای همه این اردوی ارتجاع بسیار مبهم است.

عباس عیدی می گوید: بنظر من مهمترین ویژگی جامعه ما پس از انتخابات که منفی هم هست غیر قابل پیش بینی بودن آن است. در جای دیگری می گوید: ربط دادن حوادث بعد از انتخابات به کشورهای خارجی و عده ای سیاستمدار داخلی این عوض کردن صورت مسئله است و

مسئله همچنان به قوت خود باقیست! او همچنین اضافه می کند هیچ کس نه در ساختار قدرت حکومت اسلامی و نه در میان منتقدان تصور حوادث پس از انتخابات را نمی کرد. او میگوید نباید تصور کرد که مردم مشکل اعتراض جدی و حادی ندارند و به تاکید می گوید نباید تصور کنیم این بحرانها را کشورهای خارجی و عده ای سیاست مدار داخلی ایجاد کرده اند و این اتفاقات ریشه در واقعتهای اجتماعی ندارد؟! همه این حضرات بخصوص آقای عیدی خطر را احساس کرده اند. همین چند روز پیش علی مطهری از جمله اوباش حکومتی در مجلس با صراحت می گفت: الان مسئله و مشکل ما اختلاف جناحها نیست الان مشکل همه ما احساس خطر برای بقا کل حکومت جمهوری اسلامیست! حرفی که روزی صد بار از زبان عوامل جمهوری اسلامی میشنویم.

اما این احساس خطر چیست و از کجا آمده است؟ این شبخ مرگ از کجا و چرا و چگونه اینچنین برای نابودی و انهدام جمهوری اسلامی به پرواز در آمده و خواب را از چشمان کارگزاران ریز و درشتش ربوده است؟ حوادث، اتفاقات، خطر، بحران، و بسیاری دیگر از این عناوین که خواب همه این جن زدگان را آشفته نموده، اساسا اسم رمز بزرگ انقلابی اجتماعی است. اسم رمز شرایط و دورانی است که آغاز پایان جمهوری اسلامی است و نیروهای فعاله آن مدتهاست برای نابودی و امحای سیستم ضد انسانی و حاکمیت اسلامی سرمایه داران بمیدان آمدند و با وجود همه فراز و نشیب ها تلاش میکنند راه پیشروی خود را باز کنند. مشکل مردم تنها سرکوب و شکنجه و تجاوز و زندان در دو ماه گذشته نیست. جمهوری اسلامی با همه باندهای آدم کشی سیاه و سبزش بیش از 30 سال است زندگی دهها میلیون انسان را به کام فقر و نابودی و

انهدام کشانده است. 8 سال جنگ فرسایشی و بی هدف، تحمیل فقر و بیحقوقی مطلق به زندگی میلیونها کارگر و زحمتکش، سرکوب وحشیانه مبارزات حق طلبانه مردم در کردستان و ترکمن صحرا، بیکاری روز افزون میلیونها نفر جوان آماده به کار و تحصیل کرده، آپارتاید جنسی و بیحقوقی برده وار زنان بمثابه موجودات درجه چندم در زیر سایه سیاه حکومت اسلامی، بیحقوقی مطلق کودکان، 30 سال شکنجه، تجاوز و اعدام و قتل عام دهها هزار کمونیست و مخالف سیاسی، 30 سال خفقان مذهبی و سیاسی و سرکوب، و در مجموع 30 سال حاکمیت ننگ و نفرت و کثافت اسلام و سرمایه داری، انسانهای زحمتکش و به جان آمده را برای آزادی، برابری و رفاه و بر علیه حکومت جانان اسلامی به میدان کشیده است.

مردم آزادی می خواهند، رفاه می خواهند، برابری می خواهند. مردم و جوانان خواهان یک زندگی مدرن و مرفه و شاد مطابق استانداردهای انسان متمدن امروز اند. "یا حسین و الله و اکبر و میر حسین و رو سربهای گلدار" ربطی به جوانانی که خواهان برچیدن همه دیوارهای تبعیض جنسیتی هستند ندارد. هذیان گویی و شکمهای سیر عباس عیدی و کربوبی و فرخ نگهدارها که از فرط رفاه و پرخوری در حال ترکیدن است، اکیدا هیچ ربطی به کارگران گرسنه ای که ماههاست ناچیزترین دستمزدهایشان را دریافت نکرده اند ندارد. ناسیونالیستهای افراطی وطن پرست و سینه چاکان پرچم سه رنگ شیر و خورشید نشان به همراه انواع راستهای پرو غرب چه ارماغان و تحفه ای برای انسانهای زحمتکش و گرسنه ای دارند که بشدت تشنه رفاه و آزادی و برابری اند؟ اینها همه در تحلیلهای و در تفسیرهای وارونه شان از واقیتهای موجود چه پیلیمی برای کارگران و زحمتکشان دارند؟ شعار آب و خاک و پرچم و تقدس این همه

اباطیل کجایش برای کارگر گرسنه لقمه ای نان و زندگی می شود؟ "وطنی" که در آن سهم ما کارگران و زحمتکشان فقط کار و گرسنگی و محرومیت است چه وطنیست؟ عظمت و سر بلندی هم پیشیزی نخواهد ارزید. مشکل و هدف همه حضرات ریز و درشت یک چیز است: همه احساس خطر کرده اند! از برچیدن نظم سرمایه داری موجود هراسان و وحشت زده شده اند. واقعیت اینست امروز دیگر کراوات و عمامه و پرچم شیر و خورشید نشان و خاک و علم و کتل سبز حرف واحدی دارند: خطر انقلاب در راه است و باید با توسل به هر شگردی راه را بر این انقلاب و شورش گرسنگان بست! برای همه اینها و کشورهای سرمایه داری غرب هدف یک چیز است: حفظ نظم و نظام ضد انسانی سر ما به داری موجود! تفاوت عبا و عمامه و پرچم و... تنها در ظاهر امر است و ما هیئت و هدف مشترک همه این بورژواهای ضد کارگر و ضد جامعه را برای حفظ وضعیت موجود و تداوم استثمار روز افزون و تحمیل فقر و بی حقوقی بیشتر به زندگی انسانهای کارکن بدرستی میبینیم.

جدالی که در سطحی وسیع و کیفی شروع شده است تنها میتواند با پیروزی کارگری به سر منزل مقصود برسد. تضاد منافع و اهداف جنبشها و جریانات درگیر بیشتر از روشن است. نه پیروزی ما کارگران محتوم است و نه مردم به جمهوری جهل و جنایت سرمایه دیگر اقتدا میکنند. این یک جنگ واقعی است و نتیجه جنگ هم از پیش نامعلوم. تماما به این گره خورده که طبقه ما و کارگر و کمونیسم در ایندوره چکار میکند. ما بعنوان نیرو و طبقه انقلابی در این جنگ برای به کرسی نشاندن رفاه، برای آزادی، برای برابری، برای اعاده حرمت و سعادت مندی و خوشبختی انسانها تلاش میکنیم. ما موظفیم موانع را کنار بزنیم و راه برپائی یک انقلاب شکوهمند کارگری و سوسیالیستی را هموار کنیم. *



جهاد اسلامی و حماس. ابر قدرتی آمریکا به معنی فعال مایشائی اش در جهان است و نه نفوذناپذیر بودن فرودگاهها و نسوز بودن ساختمان هایش. و فضای امروز جهان، پس از این واقعه، درست مانند دوران پس از اشغال کویت توسط عراق، فضای ابراز وفاداری مجدد قدرتهای دیگر غربی به آمریکا و تسلیم به تمایلات سیاسی و نظامی هیات حاکمه آمریکاست. این جنایت تروریستی به آمریکا یک چک سفید برای دخالتگری نظامی در هر جای دنیا و تاکید مجدد بر زعامت جهانی خودش میدهد. حال آنکه تا یکروز قبل، دولت آمریکا بخاطر طرفداری شور و لجاجتانه اش از اسرائیل و شانه بالا انداختنش در برابر قرارداد کیوتو (درباره حفظ محیط زیست) از طرف محافل بالا و رسانه ها در کشورهای غربی زیر فشار قرار گرفته بود. آمریکا از این واقعه بعنوان تخته پرش و بهانه و مقدمه ای برای یک قدرتمایی نظامی استفاده خواهد کرد. در کوتاه مدت همه قدرتهای غربی بله قربان خواهند گفت و خبردار خواهند ایستاد. در میان مدت اما، معادلات دیرپا تر اقتصادی و سیاسی مجددا نقطه تعادل را به ضرر آمریکا تغییر خواهند داد.

هفتگی: بلحاظ سیاسی آیا این واقعه موضوعاتی مانند صلح خاورمیانه و مساله فلسطین را تحت تاثیر قرار میدهد؟ چگونه؟

منصور حکمت: در کوتاه مدت قطعاً همه چیز تحت الشعاع این واقعه قرار میگیرد. طرفین کشمکش در

صفحه ۱۴

پایان دادن به تروریسم کار ماست

گفتگو با انترناسیونال هفتگی

درباره حملات تروریستی علیه آمریکا

نظامی بیخاصیت، حتما دومی را انتخاب میکند. چون تبیین آمریکا از خودش و از ابر قدرتی خودش، بر قدرت نظامی آن بنا شده.

در مورد ابعاد عکس العمل آمریکا هنوز قطعیتی وجود ندارد. فکر نمیکنم خودشان بمب انداختن و موشک زدن از راه دور به شهرها و مناطقی از افغانستان را اقدامی کافی بدانند. اگر طالبان بن لادن را تحویل بدهد، شاید ابعاد نظامی عکس العمل آمریکا محدود بماند. اما در غیر اینصورت قاعدتا نوعی اشغال نظامی و پیشروی زمینی در افغانستان یا حتی در عراق را در دستور میگذارند. این خیلی چیزها را عوض میکند. چهره سیاسی دنیا عوض میشود.

هفتگی: در عکس العمل های اولیه به این واقعه در خود آمریکا از ضعفهای امنیتی و اطلاعاتی صحبت شده است. بطور واقعی در خاک آمریکا به ساختمان وزارت دفاع و مهمترین مرکز مالی حمله شده و تعداد زیادی مردم قربانی شده اند. تاثیر این واقعه روی موقعیت آمریکا در جهان بعنوان ابر قدرت چیست، آمریکا برای جلوگیری از افت موقعیت خود چه اقداماتی ممکن است انجام دهد؟

منصور حکمت: بنظر من اتفاقاً این تروریسم به نفع تثبیت چهره آمریکا بعنوان یک ابر قدرت کار میکند. ابر قدرتی آمریکا امری است که در برابر قطب های اقتصادی و سیاسی و نظامی دیگر در جهان سرمایه داری تعریف میشود و نه در برابر افغانستان یا عراق و یا

مسبب آن فاجعه بودند. اما اینبار از قرائن چنین بر میآید که یک جریان اسلامی پشت این جنایت بوده است. خصلت انتحاری عملیات، این واقعه را در سنت جریان اسلامی قرار میدهد. اینکه کدام سازمان اسلامی و با چه ترکیبی از سازمانها و دولتها پشت این حمله بوده اند مبهم تر است. ابعاد عملیات، وجود ۴ تیم با چهار خلبان آموزش دیده برای پرواز هواپیماهای مسافربری که آماده خودکشی بوده اند، نشان از یک طرح دراز مدت ۴-۵ ساله دارد. اینکه سرنخی از چنین طرح بزرگ و دراز مدتی به سازمانهای جاسوسی غرب درز نکرده، حاکی از این است که منابع اطلاعاتی دولتهای غربی در درون این جریانات نفوذ زیادی نداشته اند، و اینهم به خارج از آمریکا و اروپا اشاره میکند. با اینحال با قطعیت نمیتوان درباره عاملان و علل این حمله اظهار نظر کرد. دولت آمریکا و رسانه ها اساساً روی گروه بن لادن متمرکز شده اند.

هفتگی: مقامات آمریکا صحبت از انتقام و تنبیه تروریستها و کشورهای طرفدار تروریسم میکنند. بن لادن مورد اتهام است و میگویند اگر طالبان وی را تحویل ندهد احتمالاً به افغانستان حمله میکنند. نظر شما در اینمورد چیست؟

منصور حکمت: بنظر من آمریکا و ناتو قطعاً به یک عملیات بزرگ خشونت آمیز دست میزنند. نه لزوماً و یا اساساً برای تنبیه عاملین این واقعه، که ممکن است اصولاً در تیررس آمریکا نباشند، بلکه برای قدرتمایی در سطح جهانی و همینطور بدلیل فاکتورهای روحی و روانشناسانه داخلی در خود آمریکا. آمریکا میان یک راه سیاسی موثر برای مقابله با تروریسم ضد آمریکایی و یک راه

هفتگی: در اثر حملات تروریستی و انتحاری به آسمانخراشهای مرکز تجارت جهانی در نیویورک و ساختمان پنتاگون در واشنگتن هزاران نفر از مردم آمریکا جانشان را از دست دادند. موضع حزب کمونیست کارگری ایران در قبال این واقعه چیست؟

منصور حکمت: حزب کمونیست کارگری فوراً اطلاعیه ای در این باره صادر کرد. ما این اقدام را بعنوان یک جنایت عظیم علیه بشریت، یک نسل کشی تمام عیار محکوم میکنیم. دل ما با مردم به خون کشیده شده آمریکاست و عمیقاً در اندوه آنها شریکیم. سازمانها و دولتهای مرتجع تروریسم را به گوشه ثابت زندگی در عصر ما تبدیل کرده اند. ما معتقدیم میشود و باید به نیروی مردم به تروریسم، اعم از دولتی و غیر دولتی خاتمه داد. برای ما روشن است که این واقعه، علاوه بر ابعاد باورنکردنی جنایتی که مستقیماً صورت گرفته است، تازه مقدمه اوچگیری بیشتر مسابقه تروریستی در سطح جهان است. یک روز سیاه، پیش درآمد مصائب بیشتر. فراخوان ما به مردم اینست که به میدان بیایند و دنیا را خود بدست بگیرند. باید جهان را از دست بمب گذار ها و ژنرالها درآورد.

هفتگی: این اقدام تروریستی توسط کی انجام شده و چه هدفی را دنبال میکند؟

منصور حکمت: هنوز حقایق این ماجرا روشن نشده است. احتمالات گوناگونی میتواند وجود داشته باشد. در ماجرای اوکلاهما بسرعت معلوم شد که محافلی از راست افراطی در خود آمریکا

پایان دادن به تروریسم کار ماست درباره حملات تروریستی علیه آمریکا...

منصور حکمت: پایان دادن به تروریسم کار ماست. کار مایی که برای برابری حقوق و حرمت انسانها و به کرسی نشاندن ارزش آنها تلاش میکنیم. تروریسم دولتی را با بزیر کشیدن دولتهای تروریست باید خاتمه داد. تروریسم غیر دولتی را باید با پایان دادن به مشقات و تبعیضات و استثمار و اختناق که انسانها را به استیصال سوق میدهد و قربانی جریانات و سازمانهای مرتجع ضد بشری میکند، از بین برد. با افشای

مذهب، قوم پرستی، نژاد پرستی و هر ایدئولوژی منحطی که برای انسان احترام قائل نیست. پاسخ ما مبارزه برای ایجاد

بیانیه حزب در مورد جایگاه سیاست کنترل کارگری ...

موسسه ای ارگان اجرایی اعمال سیاست کنترل کارگری است. تشکلهای توده ای کارگری، مجامع عمومی منظم شده و شوراهای کارگری، با اعمال اراده مستقیم خود فعالیتهای واحد تولیدی و خدماتی را تحت نظارت و کنترل خود قرار میدهند. کلیه تصمیمات مجمع عمومی برای کلیه کارکنان واحد صنعتی لازم الاجرا است. نمایندگان منتخب مجمع عمومی دارای اختیارات محدود در فاصله بین دو اجلاس مجمع عمومی کارگران و کارکنان واحد اقتصادی هستند.

۵ - دامنه اعمال سیاست نظارت و کنترل کارگری بر حسب قدرت و نیروی کارگری میتواند تا کلیه امور مربوط به واحد تولیدی، از تهیه مواد خام و قطعات، تعیین نوع و میزان محصولات تولید شده، تعیین قیمت تمام شده محصولات، اعتبارات لازم بانکی، دخالت در شرایط کار و امور استخدامی و همچنین میزان دستمزد کارگران و کارکنان را در بر بگیرد.

۶ - کلیه دفاتر و اسناد امور مالی و حسابداری واحد صنعتی میبایست باز و تحت کنترل و نظارت مجمع عمومی کارکنان و نمایندگان منتخب آنها باشد.

۷ - حراست و کلیه ارگانهای اطلاعاتی و سرکوبگر کارگران و انجمنهای اسلامی ضد کارگر و انگلی باید منحل و از محیط کار اخراج شوند.

۸ - دستمزد هیچیک از کارکنان فنی و امور اداری نباید از حقوقی معادل مزد متوسط کارگران واحد بیشتر باشد.

۹ - مجمع عمومی کارگران و کارمندان ارگان اجرایی جلوگیری از هر گونه سوء استفاده شخصی از امکانات و تسهیلات و محصولات واحد تولیدی و خدماتی است.

۱۰ - مقررات جزئی تر و ویژه هر واحد در امور کنترل کارگری توسط مجمع عمومی کارگران و کارکنان هر واحد تعیین و تنظیم میشود.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۰ ژوئیه ۲۰۰۸

فلسطین و اسرائیل اکنون هردو بهت زده و بیحرکت و نگرانند. عرفات بسرعت خود را به میکروفن میرساند و محکوم میکند تا مبادا گوشه ای از گناه را به پای او بنویسند. سران اسرائیل بشدت از این فرمولبندی که این واقعه امتداد مساله فلسطین و عکس العملی در برابر خشونت های اسرائیل است برآشفته میشوند و از خود سلب مسئولیت میکنند. اما تاثیرات این واقعه در میان مدت بستگی به عکس العمل اولیه آمریکا در برابر این واقعه دارد. اگر یک قدرتمندی خونین علیه سازمانهای اسلامی صورت بگیرد، آنوقت در پایان ماجرا، همانطور که در پایان حمله به عراق دیدیم، یک سیکل دیپلوماسی برای صلح دادن دو طرف بر متن این نقطه تعادل جدید نظامی آغاز میشود. اما مساله فلسطین و موقعیت اسرائیل و اعراب ریشه های سخت تری در واقعیات محلی دارد. صلح در فلسطین بدون به چپ چرخیدن هردو جامعه در اسرائیل و در فلسطین مقدور نیست. سکولاریسم و عدالت طلبی در هر دوسوی این کشمکش باید بر قوم پرستی و مذهب چیره بشود، تا صلح ممکن بشود. مساله فلسطین راه حل نظامی ندارد. اعراب بر نمیدارد. در نتیجه نهایتا تا نگرش دو جامعه نسبت به هم و صف بندی سیاسی میان چپ و راست در درون هردو تغییر نکند، مساله بجای خودش میماند.

هفتگی: در اطلاعیه حزب اشاره

شده فاجعه نیویورک حلقه ای در تشدید یک مسابقه تروریستی است، مسابقه ای که اکثر دولتهای جهان از یک طرف و جنبش های ارتجاعی و بویژه اسلامی از طرف دیگر در آن شرکت دارند. چگونه به این مسابقه باید افسار زد و بنظر شما حزب کمونیست کارگری چه نقشی باید در مبارزه علیه تروریسم ایفا کند؟

هفتگی: در تبلیغات تاکنونی

مدیای غربی این حملات تروریستی را تقابل با دموکراسی تعریف کرده اند و بعضی از "کشورهای اسلامی" را بنوعی در این تقابل گذاشته اند، آیا این ممکن است به رشد راسیسم در غرب دامن بزند؟

منصور حکمت: در رسانه های

بیانیه حزب در مورد جایگاه سیاست کنترل کارگری

۱- حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای پیروزی کامل و همه جانبه انقلاب اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه داری مبارزه میکند. انقلابی که کل مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری را واژگون و به مصائب ناشی از این نظام خاتمه میدهد هدف ما برقرار فوری یک جامعه کمونیستی است؛ جامعه ای، بدون تقسیم طبقاتی، بدون مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، بدون مزدگیری، بدون دولت، بدون استثمار و بدون ستم. یک جامعه آزاد انسانی متکی بر اشتراک همگان در ثروت جامعه و در تعیین مسیر سرنوشت آن. ما برای نظامی مبارزه میکنیم که در آن هرکس داوطلبانه به اندازه توان و خلاقیتش در تولید وسایل زندگی و رفاه همگان شرکت میکند و به اندازه نیازش از محصولات این تلاش جمعی بهره میگیرد. جامعه ای آزاد، برابر و مرفه!

۲- در عین حال، تا زمانی که نظام استثمارگر سرمایه داری پابرجاست، حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای تحمیل گسترده ترین اصلاحات بمنظور تضمین رفاه و آسایش و بهبود وضعیت زندگی کارگران و توده مردم مبارزه میکند. در شرایط کنونی محور سیاستهایی که حزب برای آن مبارزه میکند عبارتند از:

الف- تعیین حداقل دستمزد توسط نمایندگان کارگران و بر مبنای نیازهای یک زندگی انسانی.

ب- پرداخت بیمه بیکاری و بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد رسمی به همه افراد فاقد شغل و بازنشسته.

پ- طب و خدمات بهداشتی و پزشکی رایگان، مناسب و قابل دسترس برای همه.

ج- تامین و تضمین مسکن مناسب برای همگان. هزینه مسکن نباید از ۱۰٪ در آمد فرد یا خانواده بیشتر باشد و مابقی هزینه، باید توسط سوبسید دولتی تامین گردد.

د- لغو قراردادهای سفید امضا و موقت و انعقاد قراردادهای دسته جمعی رسمی توسط نمایندگان منتخب تشکلهای مستقل کارگری.

۳- حزب اتحاد کمونیسم کارگری در عین تلاش برای تحمیل مفاد بند ۲ به دولت و کارفرمایان و بهبود شرایط کار، همزمان برای پیشبرد سیاست کنترل کارگری که متضمن نظارت و کنترل ارگانهای توده ای کارگران و کارکنان در مراکز تولید و توزیع و ارائه خدمات زندگی اجتماعی است، مبارزه میکند. قطعنامه کنترل کارگری ضرورت، مفاد، چگونگی و دامنه اجرای سیاست کنترل کارگری را روشن میکند.

۴- در شرایطی که سیاستهای سرمایه داری و حکومت اسلامی عملاً برخی از مراکز تولیدی و اقتصادی را به ورشکستگی کشانده اند، کارگران را دسته دسته اخراج و بیکار میکنند و حقوق صدها هزار تن را ماهها پرداخت نمیکنند، کنترل کارگری یک پاسخ واقعی و رادیکال کارگری در مقابل این وضعیت است. کنترل کارگری یک راه حل کارگری در این شرایط برای دفاع از امنیت شغلی، ادامه کاری کارخانه، و سازماندهی واحدهای اقتصادی و تولیدی در جهت رفع نیازهای کارگران و جامعه است.

۵- کنترل کارگری یک گام در جهت حاکم کردن طبقه کارگر بر سرنوشت اقتصادی خود و خارج کردن کنترل شرایط کار و پروسه تولید و توزیع محصولات مورد

نیاز زندگی مردم از حوزه بازار و سرمایه است. پیشبرد موفق سیاست کنترل کارگری نیازمند تامین همبستگی و اتحاد گسترده طبقه کارگر و عقب راندن دستگاه سرکوب دولت اسلامی حافظ سرمایه داری است.

۶- اجرای سیاست "کنترل کارگری" در مراکز تولیدی و خدماتی مترادف و به معنای اجرای سیاستهای اقتصادی دولت کارگری و یا پیاده کردن "سوسیالیسم" در یک واحد تولیدی و یا "تعاون" کارگر و سرمایه برای راه اندازی واحد تولیدی نیست. تحمیل اراده مستقیم کارگر، نظارت و کنترل کارگری بر پروسه و شرایط تولید و توزیع، در برخی از واحدهای اقتصادی در چهارچوب مناسبات اقتصادی حاکم بر جامعه است.

۷- سرنوشت سیاست کنترل کارگری در تحلیل نهایی در جامعه منوط به تسویه حساب با قدرت سیاسی و تصرف قدرت سیاسی توسط کارگر و کمونیسم و نابودی مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری طبقه کارگر و تمامی فعالین رادیکال سوسیالیست طبقه کارگر را به تشدید مبارزه علیه فلاکت اقتصادی و رژیم اسلامی و سرمایه فرامیخواند. پیروزی انقلاب کارگری در گرو تامین رهبری طبقه کارگر در مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و استقرار فوری جامعه ای مبتنی بر آزادی، برابری و رفاه همگان، یک جمهوری سوسیالیستی، است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۰ ژوئیه ۲۰۰۸

قطعنامه در مورد کنترل کارگری

۱- کارگران کار میکنند، اما صاحبان صنایع و دولت از پرداخت حقوق و مزایای آنها، به

بهبان عدم سود آوری و عدم توانایی رقابت با محصولات وارداتی، خودداری میکنند. فروشگاهها و مراکز توزیع و انبارها پر از کالاها و محصولات مورد نیاز مردمند، اما تولید کنندگان این محصولات خود در زمره محرومترین اقشار جامعه و از محصولات تولید شده بی بهره اند. بیکار سازیها و اخراج کارگران ابعاد گسترده ای یافته است. تعداد واحدهای اقتصادی و کارخانجاتی که هر روز تعطیل میشوند و یا در آستانه تعطیلی هستند و یا توسط کارفرمایان به بهانه وضعیت بحرانی به تعطیلی و رکود کشانده میشوند، در حال گسترش است.

۲- بخشهای وسیعی از کارگران قادر به تامین ملزومات اولیه زندگی نیستند. بیکاری و عدم پرداخت دستمزدها زندگی کارگران را به تباهی و فلاکت کشانده است. آنها که کار میکنند، دستمزد مکفی دریافت نمیکنند و همان حقوق ناچیزشان نیز ماهها پرداخت نمیشود. آنها که بیکار گشته اند، در غیاب بیمه بیکاری مکفی و برخورداری از هرگونه سیستم تامین اجتماعی، محکوم به فلاکت و محرومیت اند. بعلاوه تحمیل فقر و فلاکت، سرکوب هر اعتراض حق طلبانه کارگران و توده های مردم یک رکن سیاست رژیم اسلامی برای بقاء و بزانو درآوردن اعتراضات جامعه است.

۳- در چنین شرایطی، و در تقابل با سیاستهایی که طبقه کارگر را به حمایت از راه حل هایی سازشکارانه و بورژوازی دعوت میکند، اتخاذ سیاست کنترل کارگری در بخش های صنعتی و خدماتی که در آستانه رکود و تعطیلی قرار دارند، یک راه حل کارگری رادیکال و سوسیالیستی در پاسخ به این وضعیت بحرانی در کنار سایر مطالبات دیگر کارگری، از جمله افزایش فوری دستمزدها و بیمه بیکاری مکفی است.

۴- مجمع عمومی کارگران و کارکنان هر

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

اساس سوسیالیسم انسان است. چه در ظرفیت جمعی و چه فردی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است! منصور حکمت

فرم تقاضای عضویت در حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱- نام و نام خانوادگی: (اسمی که با آن فعالیت سیاسی میکنید)

۲- سال تولد:

۳- چگونه با حزب آشنا شدید؟

تاریخ: امضا:

تلفن: ای میل:

* سابقه تحصیلات تسلط به زبانهای اروپایی قابلیت‌های فنی و تخصص های حرفه ای:

* شهر محل تولد و زندگی :

* سابقه فعالیت سیاسی و متشکل:

این اطلاعات تنها در اختیار دبیرخانه حزب است و حزب راسا این اطلاعات را علنی نمیکند

پرداخت حق عضویت الزامی و یک شرط مهم عضویت در حزب است. حق عضویت ماهیانه در حزب معادل ۱۵ دلار آمریکا ۲۰ دلار کانادا ۱۰ پوند انگلیس ده یورو اروپا ۱۰۰ کرون سوئد و ۱۰۰۰۰۰ ریال ایران است.

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را
بخوانید و تکثیر و
توزیع کنید!

یک دنیای بهتر

برنامه طبقه کارگر
برای آزادی جامعه
است!

مجمع عمومی

کارگران در اعتراضات جاری به
مجمع عمومی متکی شوید! مجمع
عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم و
مستمر توده کارگران است! جنبش
مجمع عمومی کارگری را تقویت و
گسترش دهید!

نشریه یک دنیای بهتر

را بخوانید و بدست دوستانتان
برسانید! سوالات و نظرات تان را با
نشریه در میان بگذارید!

پیروزی و رهایی مردم در جدال
تاریخساز کنونی در ایران قبل از
هر چیز منوط به این است که
اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک
نیروی مستقل و تحت پرچم
سوسیالیستی خود پا به میدان
مبارزه بر سر قدرت سیاسی
بگذارد، ثانیاً جریانات اپوزیسیون
راست و ملی - اسلامی را ایزوله
و حاشیه ای کرده و ثالثاً، توده
وسیع مردمی که علیه رژیم
اسلامی بپاخاسته اند به
سوسیالیسم و جمهوری
سوسیالیستی بعنوان یک آلترناتیو
سیاسی و اجتماعی واقعبینانه و
قابل تحقق بنگرند. تحقق این
ملزومات وظیفه حیاتی ما است.

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!